

نویسنده: دکتور عاصم اکرم  
ترجمه: افغان جرمن آنلاين

۲۰۰۸/۱۰/۲۱ م

## یک ستراتیژی جدید برای افغانستان

برای نجات افغانستان از قهقرای کنونی، تطبیق یک سلسله تغییرات بنیادی و تجدید نظر جدی ضرورت است. درین جا پلانی پیریزی می شود که روی چهار اصل استوار بوده و تعادل را به گونه فیصله کن تغییر خواهد داد.

امروز که ما وارد هشتمین سال مداخلات بین المللی به رهبری امریکا می شویم و در حالیکه اوضاع روز بروز رو به وخامت میگرداید، امریکا بالاخره متوجه گردیده تا ستراتیژی خود را در قبال افغانستان اصلاح نموده و یک ستراتیژی جدیدی را روی دست گیرد. گرچه قابل قدر است که پس از سالها اغماض اداره جورج بوش در آخرین روزهای حکومت داری اش متوجه ناکامی خود شده و راه علاجی را توسط ازدیاد قوای پیاده پیش نهاد کرده است، ولی فرستادن عساکر بیشتر امریکا و متحدینش به افغانستان هنوز هم عدم شناخت آنها را از مشخصات بنیادی این کشور نشان می دهد.

متأسفانه هر دو کاندید ریاست جمهوری، جان مک کین و بارک اوباما، با این پیشنهاد با تفاوت های جزئی هم نظر هستند. من یقین دارم که حصول علاج درست در نیت نیک هر دو نهفته است، ولی سناتور اوباما، با برگزیدن سناتور جو بایدن که خیلی پیشتر از جان مک کین متوجه سیر نزولی اوضاع در افغانستان شده بود، امتیاز بیشتری دارد اما معلوم می شود که راه پیشنهاد شده شامل همان یک راه نامطلوب، یعنی ازدیاد عساکر است.

برای جلوگیری از اشتباهات جهت حفظ موقف، هیچگاه دیر نیست. در غیر آن نتیجه ناکامی شدید را در بر خواهد داشت. من در اینجا در چند کلمه چهار پایه ای اساسی را که ستراتیژی و پلان جدید روی آن پیریزی شده به منظور حصول موفقیت در افغانستان و برای نجات وطن از یک مصیبت غمبار دیگر با نتایج علاج ناپذیر آن بیان می کنم.

چهار پایه و یا رُکنی که درین جا تشریح می شود لازم و ملزوم یکدیگر بوده و تطبیق همزمان آنها ضروری است. و اگر خواسته باشیم باید کوچکترین ذره ای مشهود موفقیت در نتایج آخری آنرا عمیقاً مد نظر بگیریم. گرچه مسایل حاد و جدی دیگر چون جنگ و بیداد قاچاق مواد مخدر آشکاراً درین لیست گنجانیده شده می تواند اما عقیده برین است که برای فایق آمدن بر مشکلات عدیده افغانستان چهار موضوع را که در زیر تشریح شده مدنظر باید گرفت.

### ۱- اردوی افغانستان باید جداً تقویه گردد

باید عظمت اردوی افغانستان قابل رویت بوده و عملاً زور بازو نشان دهد. بالای این مطلب در گذشته هم اصرار کرده ام و باز هم تکرار می شود که: تعداد عساکر افغان باید اقلأً به یکصدو پنجاه هزار نفر رسانده شود. برای مملکتی که بعد از سی سال زد و خورد ضرورت مبرم به امنیت دارد، باید این شمار بصورت ایده آل یک در صد تناسب نفوس را دارا باشد. به این معنی که برای نفوس تقریبی بیست و پنج میلیونی افغانستان تعداد عساکر باید به دوصد و پنجاه هزار نفر ارتقا یابد. رشد سریع اردوی افغانستان از نگاه کمیت و کیفیت آنرا به یک قوه بزرگ و قابل احترام تبدیل خواهد کرد. گر چه درین مورد گفت و شنودی در جریان است ولی امید می رود مانند وعده های میان خالی گذشته روی کاغذ نمانده و در عمل نیز پیاده شود.

اردوی افغانستان در آمادگی و معیارها ضرور نیست خود را به سویه ئی قطعات عالی اردو های غربی برساند تا موثریت داشته باشد. افغان ها در میدان عملیات برتری های دارند که اردوی خارجی فاقد آن است یعنی شناخت از اراضی، ساحات و مردم که هرگز پول و یا سلاح پیشرفته جانشین آن شده نمی تواند

علاوتاً اعضای قوای امنیتی باید معاش بهتر داشته و هم امتیازاتی برای حضور شان در نقاط حاد در نظر گرفته شود. واقعاً اینجاست که پول تا آخرین حبه و دینار ارزش خود را ثابت می سازد. بدین صورت افراد واجد شرایط اردو و قوای امنیتی که در فکر خانواده و معشیت زندگی خود هستند، دیگر محتاج نخواهند بود بین قوای امنیتی، ملیشه های جنگ سالاران و یا قاچاق چپان مواد مخدر بهترین را انتخاب کنند.

چنانچه گفته آمدیم، پول به اندازه کافی مهم است اما همه چیز نیست. برای آنانی که شامل خدمت در قوای امنیتی می شوند، باید چنان احساسی پیدا شود که بصورت کل دولت را یک دولت مشروع و علاقمند به وطن بشناسند نه دولتی فاسدی که در برابر مسایل اساسی از خود اختیار نداشته باشد. تنها تغییر در رهبریت و دولت کابل می تواند این اعتماد را دوباره بین مردم برقرار ساخته و اهدافی را روبراه و امید های را زنده نماید. در غیر آن تنها و تنها عدم علاقه به جنگ و حس نجات جان جایش را خواهد گرفت.

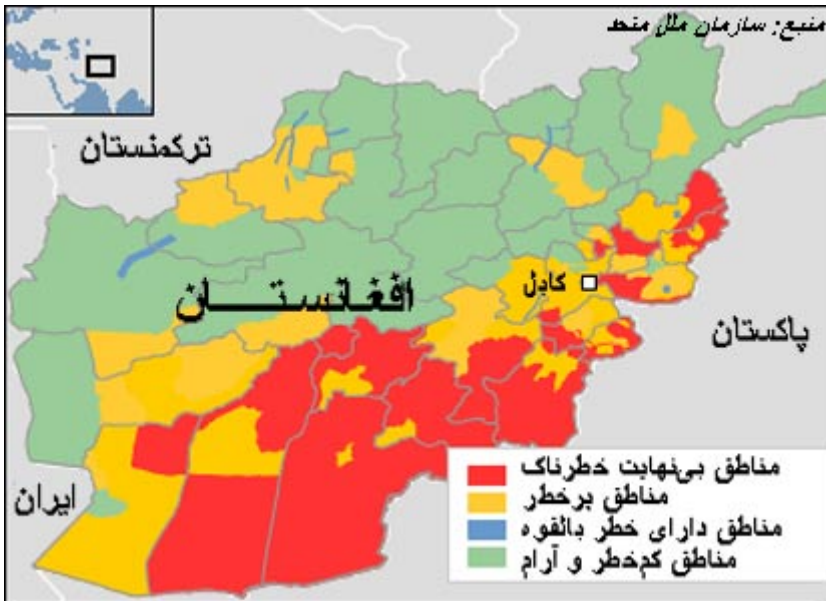
## ۲ - تغییر جهت ماموریت و ساحة حضور تمام قوای خارجی

ماموریت قوای امریکائی و بین المللی باید کاملا به سرحد با پاکستان تغییر جهت داده شود. تمام عملیات امنیتی داخل قلمرو افغانستان باید به اردو و قوای امنیتی افغانستان سپرده شود.

موجودیت عساکر سرگردان خارجی در خاک افغانستان که به هیچ ذیصلاحی به جز از خود واقعی نمی گذارند غیر قابل تحمل بوده و این نه تنها تخلف از حاکمیت ملی افغانستان است بلکه باعث رنجش برخ عظیم نفوس گردیده و در نتیجه توجه و علاقه آنها را بصورت روز افزون به طرف گروه های مسلح که با طرز و ترتیب قدرت فعلی در کابل مخالف اند، معطوف می سازد.

وقتی سخن از عساکر خارجی با ماموریت مبهم در یک خاک که از آنها نیست به میان می آید، اصل بسیار واضیحی که توسط عالم معروف یونانی ارکیمیدیس در ساحة علم فیزیک پی ریزی شده است به اذهان خطور می کند. این اصل در رابطه با موضوعات سیاسی و جهانی چنین توجیه شده میتواند که: مقدار فشار وارده توسط یک قوه خارجی، عکس العمل محلی نی تولید میکند که یا به آن مساوی است و یا بیشتر از آن.

یک سلسله عملیات منسجم بین المللی، به اساس یک فیصله نامه ملل متحد که سرحد افغانستان و پاکستان را مرکز توجه قرار دهد و به تعقیب شورشیان در قلمرو پاکستان اجازه دهد، کلیدی است. سرحد بین افغانستان و پاکستان که



بنام خط دیورند مسمی است خط راست نه، بلکه کج و معوج، بسیار طویل، کوهستانی و متخاصم است که دو مملکت را از هم جدا می کند. این سرحد مانند چلو صافی است که اسلحه، مواد انفجاری، پول، مواد مخدر و ملیشه ها از آن عبور کرده و باعث عدم استقرار دولتین در هر دو طرف می گردد. درین جاست که تمام توجه باید به آن معطوف گردد.

تمام قوای بین المللی چه فعلا زیر قوماندۀ ملل متحد (ایساف) باشند و یا چه مثل اکثر قوای امریکائی و بعضی از متحدین اروپائی شان خود سرانه و آزادانه دست به عملیات می زنند، باید زیر بیرق ملل متحد رفته

و با اطاعت از فرمان جدید، خط سرحد را تا حد امکان بطور بیسابقه مسدود نماید. در این صورت امکان آن میسر خواهد شد تا فعالیت های خشونت آمیز گروه های مسلح در هر دو طرف سرحد کاهش یابد.

امید می رود که انسداد خط سرحد فرصت خوبی برای تقویۀ قوای امنیتی بوده تا بصورت آشکار شرایط امن را در داخل کشور ایجاد و حکومت مرکزی خارج از محدوده کابل اظهار موجودیت کرده بتواند. امتیازی که با بهبودی اوضاع امنیتی حاصل میگردد، یکجا با ایجاد تسهیلات اقتصادی و اجتماعی برای مردم، دولت مرکزی را سزاوار مقام بهتری در چشم اتباع محلی اش خواهد ساخت.

این تعدیلات در ماموریت ها و تفکیک وظایف. همزمان با تضمین سرحدات جنوب و شرقی افغانستان توسط قوای بین المللی و تقلیل خشونت های سرحدی، نتایج عالی را بار آورده و توجه قوای امنیتی افغانستان را بطرف امهای دو معضله که وطن را به بربادی کشانده و سد راه اعاده اوضاع عادی گردیده معطوف خواهد کرد: که یکی آن قاچاق بیاد گز مواد مخدر و دیگر آن ملیشه های شخصی می باشد.

### ۳- ازدیاد فزاینده فشار بر پاکستان

اسلام آباد با کوشش های عاقل و تعقیب غیر جدی سران القاعده، طی سالهای متمادی به سازمان های تندرو فرصت آنرا مهیا کرد تا دوباره رشد کرده و مجدانه نه تنها برای بی ثباتی افغانستان بلکه بی ثباتی پاکستان نیز در داخل قلمروش فعال باشند.

پاکستان باید مرکز توجه ایالات متحده و متحدین بین المللی اش باشد و با وارد شدن فشار شان آنرا وادار به همکاری کنند تا: اولاً اجازه ندهد قلمروش منطقه امن برای ملیشه های مسلح باشد و برای عملیات شان از آن استفاده نمایند، و ثانیاً گروه های را که به تشویق القاعده و سبک طالبی در قلمروش فعالیت دارند تضعیف و مهار کند.

اخیراً تجدید نظری در پالیسی واشنگتن در قبال اسلام آباد دیده شده که ضمن آن به پاکستان فشار وارد شده تا بیشتر و جدی تر عمل نماید. قوای امریکا چه از هوا و چه از زمین به صورت متواتر در قلمرو پاکستان نفوذ کرده و بمباردمان اهداف به اصطلاح با ارزش هم که توسط طیارات بی پیلوت صورت میگیرد، آنقدر پیش پا افتاده شده که دیگر در مطبوعات امریکائی انعکاس ندارد یعنی به این مفهوم که عنوان های درشت به آنها اختصاص داده نمیشود. طبیعی است که این تغییر روش توأم با ایجاد فشار بالای مردم سرحدی بوده که مناسبات پاکستان را با مردم قبایلی این مملکت متأثر می سازد. اما شاید وقت آن رسیده باشد که پاکستان ازین مرحله گذشته و در شکل و اساس روابطش با مناطق قبایلی تجدید نظر نماید تا از فروپاشی مطلق نجات یابد.

واشنگتن، لندن، پاریس، ریاض، بیجنگ و دیگران باید هرچه زودتر بر اسلام آباد فشار آورند تا ماشین جاسوسی نظامی خود (ISI) را مهار کند و با قطع معاونت ها، انفاذ تحریم ها و یا اصلاً با حواله و تطبیق اولین سلسله تحریم ها به این مملکت نشان دهند که تا چه اندازه جدی هستند. بگذارید هرکس هرچه گوید و لی توصل به کجدار و مریز هنوز هم یک وسیله مؤثر و دلخواه دیپلوماتیک پنداشته می شود.

### ۴- تجدید و ترمیم پروسه سیاسی موجوده در افغانستان

حکومت در افغانستان باید عوض شود، چه این حکومت یک دستگاه ضعیف، غیر مؤثر، و ناکامی است که مناسفانه جداً گرفتار مرض رشوه خوری است. در مدت هفت سال گذشته حکومت آقای حامد کرزی نتوانسته خود را لایق اعتبار بین المللی تبارز دهد و یا اینکه اعتماد مردم افغانستان را جلب کند.

باوجود کمک های کورکورانه واشنگتن، اداره موجوده نتوانسته است تا هیچیک از اساسی ترین وظایف یک دولت را به منصفه اجرا بگذارد. وقت آن رسیده است تا بنشینیم و سر در گریبان کرده و بدین باندیشیم که افغانستان سزاوار چگونه یک دولت مفید و مقتدر بوده میتواند؟ یک دولت ملزم به رفاه و آسایش مردم و آگاه از مسؤلیت های بی کرانی که بار رنج و عذاب را از روی شان های هموطنانش امروز بکاهد و زندگی بهتری را برای فرزنداناش فردا در نظر گیرد.

چیزی که لازم است تعدیل توافقنامه « بن » است. برای اینکه در یافتن راه حلی مؤثرانه و واقع بینانه موفق شد و افغانستان را از قعر منجلاب بدبختی هائی که دامنگیرش شده است کشید، همه چیز را از نو باید سنجید. بر علاوه اینکه به منفعت مردم افغانستان تمام خواهد شد، هر حرکت پیشرو قابل ملاحظه رضایت خاطر جامعه ذیعلاقه بین المللی را کسب کرده و آنوقت اعضای آن جامعه خواهند توانست به آرای عامه خود تفهیم نمایند که تعدادی از اهداف شان که هفت سال قبل پایه گذاری شده بود جامعه عمل پوشیده است.

بدون شک آرزومندیهای دیموکراتیک و اشتراک مردمی در پروسه سیاسی بسطج جهانی از ارزش خارق العاده برخوردار است. اما تا اکنون این امیال همه خواب و خیال بوده و بصورت صحیح و دلخواه بدست نیامده است. افغانستان امروز قطعاً در موقعیتی نیست که به بازی های سیاسی در رسیدن به آرزوهای خود از طریق انتخابات آزاد و عادلانه جامعه عمل ببوشاند. در حالیکه بعضی موانع سر راه قابل غور و مذاقه بوده می تواند، اما مسئله روز افزون عدم امنیت یکی از واضحترین اشکال زدودن این موانع است. پس چلنج اصلی عبارت از ایجاد یک پروسه جدید

سیاسی است که حتی الامکان باید از شفافیت کامل برخوردار باشد، نه مانند موافقت نامه ۲۰۰۱ م بن که زاده زد و بندهای مخفی و زور آزمائی های پشت پرده بود. مزه تلخ بن را نه تنها گروپ های ذیدخل بلکه حتی بیشتر آنهایکه دعوت نشده بودند چشیدند و امروز آشکار است که پروسه بن به صورت بسیار زشت در همه اهداف خود کوتاه آمد و درحالیکه سیل پول خارجی بصورت بی سابقه دروطن سرازیرشد، یک ائتلافی از رقبائی به وجود آمد که نه تنها به یکدیگر تن در نمی دادند بلکه مصروف کارشکنی و تحقیریکدیگر نیز بودند.

در قبال اشتباهات هفت سال گذشته، واضحاً به یک پلان جدید و یک دولت جدید با یک رهبر جدید ضرورت احساس میشود. به یک عملیه روشنی نیاز است تا یک قدرت قابل اعتبار را دوباره بر مسند کابل بنشانند، که نه تنها در ساحه تقویه امنیت، بازسازی اقتصاد و توسعه اجتماعی عملاً مؤثر باشد بلکه در تحکیم پرنسپ حاکمیت ملی نیز از دقت لازم کار بگیرد.

در عوض یک حکومت بهتر، حکومتی که ظاهراً ساخته ئی و اشنگن نباشد، حکومتی که دلسوزی خود را به مردم در عمل ثابت سازد، میتواند به نوبه خود در ولایات صاحب اعتبار و در مقابل مخالفین مسلح پیشرو از موقف بهتری برخوردار باشد. این چنین یک حکومت قادر خواهد شد زمینه ساز مذاکرات با عناصر میانه رو گروه های مسلح شده و خواهد توانست باعث بروز انشعابی در بین گروه های ملی گرا و گروه های افراطی دارای وابستگی های غیر افغانی، که خواه بقایای القاعده و یا کدام سازمان پاکستانی و یا عربی دیگر باشند، گردد.

مؤسسه ملل متحد به حیث میانجی و متضمن می تواند یک گروپ سه نفری از موسیفدان بیطرف، خصوصاً نمایندگان سابقه ملل متحد را به افغانستان، مثل الاخضر ابراهیمی، که با شناسائی اوضاع افغانستان از مزیت خاص برخوردار میباشد، تشکیل دهد. گروپ سه نفری به نوبه خود یک لست هفت نفری افغان های سرشناس و مستقل را ترتیب و وظیفه خواهد داد تا اساسات یک سلسله تغییرات بنیادی را پیشنهاد نمایند که شامل رهبریت جدید با کابینه جدید باشد تا افغانستان را دوباره به راه راست هدایت و اعتماد و حیثیتش را در داخل و خارج دوباره اعاده نماید. متعاقباً یک کنفرانس به ابتکار ملل متحد تمام ممالکی را که به نحوی از انحا در پروسه کنونی افغانستان ذیدخل هستند دور میزی خواهد کشاند که تا اندازه به کنفرانس های برلین، پاریس و توکیو، که در مورد بازسازی اقتصادی دایر شده بود، شباهت خواهد داشت، مگر این بار برای تطبیق تعدیلات عاجل برای نجات افغانستان و حتی منطقه با شعارهای وسیعتری داخل فعالیت شده و از فرو رفتن بیشتر آن در لجنزار جلوگیری و مهر تصدیق و تضمین را به مرام نامه اصلاح در محیط جدید با ستراتیژی جدید جهانی خواهد زد. ناگفته نماند که دراین مرحله نوین همکاری بین المللی بمنظور حل بحران افغانستان، برای طرفین ذیدخل - یعنی دولت افغانستان، ایالات متحده، سازمان ملل متحد، جامعه اروپائی، پاکستان و امثالهم - وظایف و تقسیم اوقات مشخص تعیین خواهد گردید.

شاید این عمل یک قدم به عقب جلوه نماید اما حقیقت این است که تلاش های بشری و مالی طی سالیان متمادی قسمی که شاید و باید نتیجه مطلوب نداده و از آن بکلی انحراف شده است. پس دور از منطق نخواهد بود که یک قدم به عقب رفته و همه چیز از نو سنجیده شود. تنها این مرتبه مسلح با داشتن عقل و تجربه ایکه از درس های هفت سال گذشته آموخته شده است و مجهز با تصمیم قاطع بمنظور تطبیق عاجل تعدیلات و تغییرات لازمه گام برداشته خواهد شد. آیا حتی از یک طفل هفت ساله توقع نمی رود تا از عقل خود استفاده کند؟

## خلاصه

برای نجات دادن افغانستان از سقوط قهقرائی به تعدیلات بنیادی و تفکر جدید نیاز است. درین جا چهار رکن پلانی پیشنهاد می شود که به صورت قطعی معادله منفی فعلی را دگرگون خواهد کرد:

۱. **تقویه سریع اردوی افغانستان:** در کوتاه مدت حد اقل یکصد و پنجاه هزار و مطلوباً به دو صد و پنجاه هزار نفر.
۲. **تغیر جهت ماموریت قوای امریکائی و بین المللی** از طریق توقف تمام عملیات شان در داخل افغانستان زیر نظارت ملل متحد تا این عملیات منحصراً به سرحدات بین افغانستان و پاکستان متمرکز و آنرا مسدود نمایند.
۳. **فشار اعظمی به شمول تعدیلات بالای پاکستان** تا قاطعانه مقابل خشونت های سرحدی داخل مبارزه گردد.

تعداد صفحات: ۴ از

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید

[maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

۴. ترميم و تجديد پروسه سياسي در افغانستان به نفع ايجاد يك كئله دولتي انتقالي كه قادر به ابراز آزادي، مؤثريت و ثلايت از خود باشد. دولتي با چهره جديد زير چتر ستراتيجي نوين كه باعث بروز اعتماد در داخل و خارج افغانستان شده و معادله منفي كنوني را از بنياد تغيير دهد.

پايان